بیانات در دیدار مردم قم - 19 /دی/ 1392

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، علمای اعلام، فضلای محترم، جوانان پرشور و مؤمن و عموم طبقات مردم قم که به شهادت حوادث تاریخ در دوران معاصر، برجستگی خودشان را و آمیخته‌ی شور و شعور خودشان را و شجاعت و مجاهدت خودشان را در حوادث عظیم و تعیین‌کننده‌ی این سالها نشان دادند. اگرچه به دلایل گوناگون روز نوزدهم دی یك روز برجسته و بی‌نظیر است، ولی بدون شك برجستگی عمل و اقدام مردم عزیز قم به روز نوزده دی منحصر نمیشود. در دوران بعد از انقلاب، در حوادث گوناگون، در دوران جنگ تحمیلی، در حوادث مهم و تعیین‌کننده‌ای که در طول این چند دهه اتفاق افتاده است، همیشه وقتی جایگاه شما مردم قم را مورد ملاحظه قرار میدهیم، یك جایگاه برجسته و ممتاز می‌بینیم. و خدا را شکر که این‌چنین است و همینها موجب شده است که قم به‌عنوان مرکز روحانیّت شیعه و اسلام، امروز نماد عظمت جمهوری اسلامی باشد. آن کسانی که بر روی مسائل مربوط به کشور ما و نظام جمهوری اسلامی فکر میکنند، مطالعه میکنند، کار میکنند - چه دشمنان ما، چه دوستان ما - یکی از نقاط مهمّ تمرکز آنها شهر قم و حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و مردم قم و حوادث قم است. امیدواریم خداوند متعال همچنان که تا امروز شما عزیزان را، شما مردم رشید و فعّال و اهل عمل را توفیق داده و کمك کرده است، در آینده هم - که مسلّماً کشور ما در چشم‌انداز آینده نیازمند به اراده‌های قوی، عزمهای راسخ و قدمهای پویا است - مشمول کمك خود و هدایت خود قرار دهد.
درباره‌ی روز نوزدهم دی، سی و چند سال است که گویندگان مختلف و متفکران و اهل سخن و اهل نظر و تأمّل دارند حرف میزنند ؛ از ابعاد مختلف این حادثه را مورد ملاحظه قرار داده‌اند، تحلیل کرده‌اند، توصیف کرده‌اند، نقش و تأثیر آن را بیان کرده‌اند ؛ در عین حال به گمان این حقیر، هنوز مسئله‌ی مهمّ حادثه‌ی نوزدهم دی درخور تأمّل و تدقیق است ؛ ابعادی در این حادثه وجود دارد که قابل بازگو کردن و درس گرفتن است ؛ یکی از این ابعاد این است که حادثه‌ی نوزده [دی] قم، مظهر و نماد این آیه‌ی شریفه است: فَانتَقَمنا مِنَ الذینَ اَجرَموا وَ کانَ حَقّا عَلَینا نَصرُ المُؤمِنین ؛ (۱) در آیه‌ی قرآن، در سوره‌ی مبارکه‌ی روم، به تعبیر خداوند متعال نصرت مؤمنین حقّی است بر عهده‌ی خداوند ؛ چند جا در قرآن کریم این تعبیر به کار رفته است - [مثل] عَلَیهِ حَقّا فِی التَّوراةِ وَ الاِنجیلِ وَ القُرءان، (۲) و موارد دیگری - و یکی اینجا است که میفرماید این حقّی است بر عهده‌ی ما یعنی بر عهده‌ی ذات اقدس پروردگار عالم که مؤمنین را نصرت بدهیم. خب، این در چه شرایطی است؟ در چه شرایطی گفته‌اند که مؤمنین نصرت پیدا میکنند؟ این در آن شرایطی است که هیچ روزنه‌ی امیدی به حسب ظاهر وجود ندارد. ملاحظه کنید همین آیات را ؛ آن وقتی است که دشمنِ جبهه‌ی ایمان با قدرت ظاهری و با سرپنجه‌های قوی در مقابل مؤمنین ایستاده است ؛ یك مبارزه‌ی جبهه‌ایِ عظیمی به‌وجود آمده است ؛ در یك چنین شرایطی میفرماید: وَ کانَ حَقّا عَلَینا نَصرُ المُؤمِنین.
آن روزی که جوانهای قم از طلبه و غیرطلبه و اقشار گوناگون و مردم مؤمن آمدند در کوچه و خیابان قم و به دفاع از امام، به دفاع از حقیقت، به دفاع از پرچم برافراشته‌ی مبارزه‌ی علیه طاغوت و در مقابل گلوله‌های مزدوران رژیم طاغوت قرار گرفتند و خونشان روی آسفالتهای خیابان ریخته شد، هیچ‌کس از آن مردم و از حول‌وحوش آن مردم هرگز گمان نمیکرد که این حادثه چه اثری خواهد گذاشت. احساس تکلیف کردند، نیروی خودشان را و آنچه داشتند روی دست گرفتند، آمدند میدان. [مردم قم] فکر میکردند که نوزده دی منشأ این تحوّل عظیمِ زنجیره‌ی مبارزات و اعتراضات بشود و منتهی بشود به خیزش بزرگ عمومی مردم و کار را تمام کند؟ مردم قم فکر میکردند کاری که دارند میکنند این‌قدر برکت داشته باشد؟ فکر نمیکردند ؛ امّا: وَ کانَ حَقّا عَلَینا نَصرُ المُؤمِنین. عامل پیروزی این است که یك جماعتی - در یك مقیاس بزرگ، یك ملّتی - ایمان درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد ؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است. آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمیکنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف

است، یا ایمان غلط است - ایمان به چیزی است که نباید به آن مؤمن بود - یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول‌وحوش خودشان نیست. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است ؛ راه را انسان نمیبیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، امّا نمیدانید کجا باید بروید. ما که این همه در باب قضیّه‌ی حوادث ۸ دی روی بصیرت تکیه کردیم و بعضی‌ها خوششان نیامد، به خاطر این است ؛ اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد میگذرد، گاهی اوقات میشود که راه را عوضی طی میکند ؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر میرود، بلکه به کج‌راهه او را میرساند و میکشاند ؛ پس بصیرت لازم است. عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمانِ درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست ؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است ؛ طبعاً به نتیجه نمیرسند. ملّت ایران این شرایط را فراهم کرد ؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای ماهر و خبیری بود ؛ یك فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریده‌ی از مطامع و منافع مادّی شخصی، و آگاه به کتاب و سنّت ؛ راه را به مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند ؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند ؛ آن کار را انجام دادند، وَ کانَ حَقّا عَلَینا نَصرُ المُؤمِنینَ ؛ حالا هم همین‌جور است.

آنچه برای ما مهم است این است که ما در رفتار خودمان، در گذشته‌ی خودمان تأمّل کنیم و از ضعفهای خودمان و از قوّتهای خودمان درس بگیریم ؛ امروز هم همین است. کسی توهّم نکند که آن کسانی که در مقابل انقلاب اسلامی با همه‌ی قوا ایستاده بودند، امروز منصرف شده‌اند ؛ نه، امروز هم ایستاده‌اند ؛ منتها هر دشمنی اگر چنانچه ناچار شد، عقب‌نشینی میکند ؛ اگر مجبورشان کردید و وادارشان کردید به عقب‌نشینی، ناچار عقب‌نشینی میکنند ؛ امّا از دشمنی منصرف نمیشوند ؛ امروز مسئله در دنیا این است. دشمن را باید شناخت، جبهه‌ی دشمن را باید شناخت، لبخند دشمن را نباید جدّی گرفت، نباید فریفته‌ی آن شد، هدف را نباید فراموش کرد ؛ هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمانهای اسلام، یعنی سعادت مادّی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادّی و معنوی. این هدف را نباید فراموش کرد، باید دنبال کرد و باید یقین داشت که با ایمان راسخ، با ادامه‌ی راه، با بصیرت در امور پیرامونی و مسائل جاری، با بصیرت نسبت به دشمن و بصیرت نسبت به میدان عمل و جبهه‌ی مبارزه، پیروزی قطعی است ؛ این را بایست توجّه داشت. اینکه بنده مکرّر عرض میکنم افق دید نظام جمهوری اسلامی، افق روشنی است، به‌خاطر این است ؛ چون بحمدالله مردم ما، جوانان ما، مرد و زن ما، هم دارای ایمانند، هم دارای بصیرتند، هم دشمن را می‌شناسند، هم اهل کار و اهل عمل و اهل ابتکارند. در کدام مسئله جوانان ما وارد شدند که نتوانند آن مسئله را حل کنند؟ هر جا در این کشور زیرساختِ آماده‌ای بود، ما توانستیم پیش برویم ؛ این به برکت همان استعداد و توانی است که خدای متعال در این ملّت مؤمن قرار داده است ؛ طبیعت کار همین است، باید هم پیش برویم ؛ در زمینه‌ی عملی، در زمینه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی سازندگی، در زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌های گوناگون، هر جا اعتماد کردیم [پیش رفتیم]. امروز هم همین است ؛ بنده توصیّه‌ام همیشه به مسئولین محترم این است که برای رفع مشکلات کشور به نیروی درونی این کشور توجّه کنند ؛ چشم به بیرون نباید دوخت ؛ البتّه مسائل بیرون را باید حل کرد، در این شکی نیست ؛ یك ملّت فعّال، یك دولت فعّال، [یك] حکومت فعّال، در همه‌ی زمینه‌ها فعّال است ؛ در مسائل بین‌المللی، در مسائل منطقه‌ای، در مسائل دیپلماسی این فعّالیتها لازم است ؛ منتها امید ما بایستی به پشتیبانی و کمك الهی و به نیروی داخلی ملّت و کشور باشد ؛ این است که کشور را بیمه میکند.

امروز شما ملاحظه میکنید دشمنان ما - که البتّه همیشه ملّت ایران را بد شناختند و نشناختند، همیشه دچار این اشتباه بودند، الان هم همین اشتباه را دارند میکنند ؛ ملّت ما را نمیشناسند، کشور ما را نمیشناسند - خیال میکنند که به‌خاطر فشار تحریم و محاصره‌ی اقتصادی، ملّت دستهایش را در مقابل آنها بالا برده و تسلیم شده ؛ نه آقا، اشتباه میکنید. این ملّت، ملّتی که دستهایش را به علامت تسلیم بالا ببرد نیست. در شرایطی سخت‌تر از این [هم]، این ملّت تسلیم نشده است. یك نمونه‌ی واضحِ روشن غیرقابل انکار هشت سال جنگ تحمیلی است ؛ شوخی است؟ هشت سال! همه‌ی قدرتهای بزرگ جهانی به یك مجرمی کمك کنند که علیه کشور و ملّت کار بکند و این ملّت بر

همه‌ی آنها فائق بیاید ؛ این کار کوچکی است؟ این چیز کمی است؟ آنجا هم «وَ کانَ حقّا عَلَینا نَصرُ المُؤمِنین» بود، آنجا هم همین عزم راسخ، تصمیم قاطع، آوردن موجودیِ خداداده به میدان عمل و صحنه‌ی عمل، گره‌ها را یکی یکی باز کرد. ما روز اوّل جنگمان با یك سال بعد،با دو سال بعد، با سه سال بعد مگر یکی بود؟ پی در پی گشایشها به‌وجود آمد، همه‌ی دنیا دیدند که آمریکا، شوروی آن روز، اروپا، ناتو، انگلیس، دیگران از رژیم بعثی حمایت کردند، از صدّام مجرم حمایت کردند، بلکه او بتواند تجاوزی ماندگار به کشور عزیز ما داشته باشد ؛ و او ناکام بعد از هشت سال، بدون اینکه بتواند یك وجب به خواسته‌ی خودش نزدیك بشود، با آن همه خسارت و با آن همه کشته و با آن همه بی‌آبرویی بین‌المللی مجبور به عقب‌نشینی شد. امروز هم همین است ؛ امروز هم مقابله‌ی با دشمنی‌های دشمن و رفع همه‌ی این گرفتاری‌ها، با ایستادگی ملّت، با تکیه بر توانایی‌های درونی کشور، با اعتماد به خدایی که دلها را این‌جور آماده کرده است و به این جهت هدایت کرده است، ممکن است. البتّه وقتی دشمن نگاه کرد، دید یك ملّتی عازم است، ایستاده است، تصمیم دارد کار خودش را پیش ببرد، آن دشمن ناچار به عقب‌نشینی میشود ؛ همین هم هست. این اشتباه آنها را ملّت ایران به هم خواهند زد ؛ اینکه خیال میکنند، میگویند ما تحریم کردیم، ایران مجبور شد بیاید پای میز مذاکره، نه، [این‌طور نیست]. ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرفها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی موضوعات خاصّی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شرّ او و برای حلّ مشکل، مذاکره میکند ؛ معنای این آن نیست که این ملّت مستأصل شده است، ابداً. یکی از برکات همین مذاکرات اخیر این بود که دشمنی آمریکایی‌ها و مسئولین دولت ایالات متّحده‌ی آمریکا با ایران و ایرانی، با اسلام و مسلمین آشکار شد، برای همه مدلّل شد، همه این را فهمیدند. میشنوید لحنهای اینها را، حرفهای اینها را ؛ آنجایی که اقدام نمیکنند، میگویند نمیتوانیم - راست میگویند، نمیتوانند - و اگر میتوانستیم تاروپود صنعت هسته‌ای ایران را بکلّی از هم جدا کنیم، میکردیم، امّا نمیتوانیم. بله، البتّه نمیتوانند. چرا نمیتوانند؟ چون این ملّت اراده کرد که در این مسئله و در همه‌ی مسائل خود روی پای خودش بایستد و ایستادگی کند، ابتکار خودش را به میدان بیاورد ؛ و آورد ؛ [بنابراین] دشمن نمیتواند کاری بکند ؛ در همه‌ی مسائل همین‌جور است. دشمنی آنها روشن شد، ناتوانی آنها هم روشن شد، حالا به این در و آن در میزنند. شخصیّت‌های سیاسی‌شان، مطبوعاتشان، محافل سیاسی‌شان کینه‌های درونی خودشان را، کینه‌های قدیمی خودشان را که در طول این سی سال مکرّر با تعبیرات گوناگون نشان داده‌اند، باز آنها را نشان میدهند: مسئله‌ی حقوق بشر، مسئله‌ی اسلام، مسئله‌ی پایبندی به موازین دینی ؛ اینها حرفهایی است که آنها امروز دارند متعرّض میشوند. بنده عرض میکنم هر کس دیگری [هم] درباره‌ی حقوق بشر حرف بزند، آمریکایی‌ها حق ندارند درباره‌ی حقوق بشر حرف بزنند ؛ [چون] دولت آمریکا بزرگ‌ترین نقض‌کننده‌ی حقوق بشر در دنیا است ؛ نه [فقط] دیروز، [بلکه] همین امروز، همین حالا ؛ اینها کسانی هستند که رژیم غاصب صهیونیستی به پشتوانه‌ی اینها و پشت‌گرمی اینها است که دارد این همه شرارت در این منطقه میکند. فلسطین در چه وضعی است؟ فلسطینی‌ها در چه وضعند؟ غزّه در چه حالی است؟ احوال مردم غزّه را مردم دنیا نمیدانند؟ بیمار محتاج درمان اضطراری در آن قطعه‌ی مظلومِ زمین، روی زمین مانده است، داروهای ابتدایی در اختیار او قرار نمیگیرد! چرا؟ چون آمریکا پشت سر رژیم صهیونیستی غاصب است. یك کشوری را، یك مردم مظلومی را از اطراف محاصره کنند، راهی به بیرون نداشته باشند، هیچ امکانی نداشته باشند، مریضشان هم روی زمین میماند، گرسنه‌شان هم گرسنه میماند، اوّلیّات زندگی هم از آنها دریغ داشته میشود ؛ اینها ظلم نیست؟ اینها تخلّف از حقوق بشر نیست؟ آن‌وقت اینها شرم نمیکنند اسم حقوق بشر بر زبان می‌آورند؟ این آقا اوّلی که میخواست بیاید، در تبلیغات انتخاباتی پنج شش سال قبل، یکی از وعده‌هایی که به مردم آمریکا داد، این بود که زندان گوانتانامو را تعطیل میکند ؛ [الان] شش هفت سال گذشته، آیا زندان گوانتانامو تعطیل شد؟ اینها این‌جوری‌اند. ظلم به مردم، حمله‌ی به مردم، [آوردن] هواپیماهای بی‌سر نشین در افغانستان و پاکستان، کشتار مردم بی‌گناه، هزاران گونه جنایت علیه غیر نظامیان در مناطق مختلف، و شیوه‌های جنایت ناشناخته - که حالا خیلی از جنایات اینها شیوه‌هایی است که برای مردم دنیا ناشناخته است، بعدها معلوم خواهد شد - آن‌وقت اینها اسم حقوق بشر را می‌آورند؟ ما مدّعی نظام ایالات متّحده‌ی آمریکا و بسیاری از دولتهای غربی هستیم، به‌خاطر نقض حقوق بشری که آنها انجام میدهند. ما مدّعی هستیم، ما از آنها سؤال

میکنیم، ما گریبان آنها را میگیریم در پیشگاه دادگاه افکار عمومی دنیا ؛ و آنها جوابی ندارند.
ملّت ایران اگر بخواهد از مشکلات مادّی و معنوی خود - مشکلات اخلاقی، مشکلات اقتصادی - رهایی پیدا کند، باید به خود، به فکر خود، به اراده‌ی خود، به ایمان خود، به جوانهای خود، به شخصیّت‌های خود تکیه کند و علاج کار را از خدای متعال بداند. و بدانید برادران عزیز، خواهران عزیز، قمی‌های عزیز، همه‌ی ملّت ایران! ملّت ایران نشان داده است که با تکیه‌ی به خدای متعال از همه‌ی این موانع عبور خواهد کرد و به هدف خواهد رسید.
رحمت خدای متعال بر امام بزرگوار ما که از قم برخاست و این راه را جلوی پای ما و جلوی پای ملّت ایران گذاشت ؛ و با همّت خود، با ایمان خود، با استقامت خود، با توکل خود به خدا این راه را ادامه داد، ما را پیش برد ؛ و ما همه، در دل، در زبان، در عمل، ان‌شاءالله متعهّد هستیم این راه را تا پایان ادامه بدهیم ؛ و رحمت خدا بر شهدای عزیز دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی تا امروز و شهدای عزیز قم و بر همه‌ی شما برادران و خواهران گرامی.
والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۴۷
۲) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱